



آیت اللهی، سرپرست کاروان ایران
در بازی‌های آسیایی ۱۹۸۲
می‌گفتند
ورزشکاران بروند
دیگر بر نمی‌گردند!

← ۵



دنیا مالی: رئیس فدراسیونی که قول موفقیت ندهد را نمی‌خواهم

از عملکرد کاروان ایران راضی نیستم

← هر اتفاقی در ورزش رخ بدهد پاسخگوی ناکامی من هستم ← در هیچ رشته‌ای نمی‌توانیم بگوییم کشور استعداد ندارد

← ۳



هشدار صریح وزیر ورزش

درباره کارنامه ضعیف تیم‌های ملی

نوبت حساب‌کشی از فوتبال رسید

← دو شکست، برنامه‌ریزی غلط و یک اردوی بدون دستاورد؛ یوزها همچنان درجا می‌زنند

← ۲

از ۸۴۰ میلیارد تا ۳۱۳۶ میلیارد
تومان در ۴ فصل

قطار زیان انباشته فوتبال ترمز ندارد

عابدینی: فوتبال ما به تصمیم شجاعانه نیاز دارد

← ۸

مسئولان فوتبال
قدرت تصمیم‌گیری ندارند

پاشازاده: چرا زودتر تیم ملی را نساختیم؟!

مظلومی: بازیکنان تیم ملی پیر شده‌اند

← ۷

بازگشت ستون فقرات تیم تارتار
ترکیب نیمکت سرخ‌ها
به هم می‌ریزد

علیپور و پورعلی برگشتند، کنعانی هم برمی‌گردد

← ۶

خطر کاهش جذابیت
استقلال و تراکتور فروکش کرد
لغو بازی با گینه
به کام سهراب و جواد

← ۷

شوک بزرگ به لژیونر ایرانی
لخ‌پوزنان بعد از حذف از تیم ملی
اللهیار صیادمنش
یک ماه خانه‌نشین شد

← ۲

● سرمقاله

خوب بودیم یا بد؟

مجید سلطانی

خبرنگار

دیروز در رسانه‌های فعال در حوزه وب چند روایت متفاوت و گاه متضاد را شاهد بودیم.

برخی مرغوبیت مدال‌ها را ملاک قرار داده و بر این باور بودند که عملکرد کاروان ما قابل تجلیل بود.

برخی اما به تعداد مدال‌ها اشاره کرده بودند. از نظر این عده، تعداد مدال‌های کسب شده در ناگویا، کمترین تعداد مدال در ۵ دوره اخیر بازی‌های آسیایی بود و به این دلیل باید عملکرد کاروان مورد نقد قرار بگیرد.

در کنار این اظهارنظرها، باید به گفت‌وگوی وزیر ورزش با سایت این وزارتخانه اشاره کنیم. وزیر ورزش به صراحت گفت از عملکرد کاروان رضایت کامل ندارد و از نظر او عملکرد ما می‌توانست بهتر از این باشد.

با این موضع‌گیری جدید باید به چند نکته اشاره کنیم:

۱- با توجه به هزینه‌های کمرشکن اعزام برای هر نفر، باید دقت و مراقبت بیشتری در اعزام رشته‌های گروهی صورت می‌گرفت که تعداد بالایی را به سفر بردند.

اعزام رشته‌های تیمی با چه متر و معیاری صورت گرفت؟ رشته‌هایی که از پیش می‌شد حدس زد موفقیتی به دست نمی‌آورند با کدام کارت و اعتبار غیرموجه، مجوز اعزام گرفتند؟

۲- رشته‌هایی که سال‌هاست هیچ موفقیتی ندارند و هر بار وعده «آینده» را می‌دهند، چگونه بازخواست و تنبیه نمی‌شوند؟

۳- وزیر درباره برخی رؤسای فدراسیون‌ها گفت که به احدی پاسخ نمی‌دهند و کارشان هم پیر از عیب و ایراد است.

این رؤسا چه افرادی هستند و چگونه مانده‌اند و گزندی هم به آنها وارد نمی‌شود؟

۴- کمیته ملی المپیک معتقد است معیار مشخصی برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت برنامه‌های فدراسیون‌ها دارد. نمی‌توان این معیار را رسانه‌ای کرد و البته به مردم گفت فدراسیون‌های عقب مانده از برنامه، چگونه مجوز سفر گرفتند. ۵- بر اساس تعداد مدال عقب بودیم و با لحاظ کردن مرغوبیت مدال، خوب.

صادقانه به مردم بگویید نظر شما درباره کاروان اعزامی ایران به بازی‌های آسیایی چه بود و با فدراسیون‌های موفق و ناموفق چه رفتاری دارید. اجازه بدهید یک بار مردم به شکل شفاف ببینند با فدراسیون مقصر چه برخوردی دارید.

الزامات سختگیرانه AFC برای ورزشگاه‌ها

تاج: سه بازی از سوی طرف مقابل لغو شد

مهدی تاج رئیس فدراسیون فوتبال در خصوص منتفی شدن بازی دوستانه سوم تیم ملی ایران گفت: «ما برای برگزاری هر سه مسابقه آماده بودیم، اما هر سه بازی از سوی طرف مقابل لغو شد. حتی برای برخی کشورهای آفریقایی، بحث ویزا وجود داشت و برای ترکیه نیز ویزا لازم است، در حالی که ایران برای ورود به ترکیه نیاز به ویزا ندارد و آنها هم مشکلات خاص خودشان را داشتند. با این حال، بازی قطر به طور کامل لغو شد، در حالی که ما مجوز برگزاری مسابقه را گرفته بودیم و حتی ویزاها نیز آماده شده بود.»

مهدی تاج درباره آخرین تغییرات و الزامات نظام مجوز حرفه‌ای و تغییرات ایجادشده در الزامات مربوط به ورزشگاه‌ها اظهار داشت: «امسال در بخش ورزشگاه‌ها تغییرات بسیار مهمی به وجود آمده است. ورزشگاه‌ها در گذشته دو یا سه شرط داشتند، اما اکنون تعداد این الزامات افزایش یافته و ورزشگاه‌ها در پنج سطح A، B، C، D و E دسته‌بندی می‌شوند. این دسته‌بندی مشخص می‌کند که هر نوع مسابقه‌ای در کدام ورزشگاه می‌تواند برگزار شود. با شرایطی که در حال حاضر اعلام شده، تنها ورزشگاه پارس شیراز شرایط دریافت مجوز B را دارد و سایر ورزشگاه‌ها در سطح C قرار می‌گیرند. البته این موضوع ایرادی ندارد و باید به تدریج شرایط ورزشگاه‌ها را ارتقا دهیم تا به سطوح B و A برسند. برای سال ۲۰۲۸ نیز اعلام شده است که جایگاه تماشاگران و بخش VIP ورزشگاه‌ها باید مسقف باشد. دوستان ما در این زمینه طی نامه‌هایی به طور مشخص اعلام کرده‌اند که شرایط به صورت مستمر در حال تغییر است و یکی از مشکلات ما و شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی نیز همین موضوع است.»

افسران مجوز حرفه‌ای در استان‌ها

محمدرضا ساکت در آغاز سخنان خود در سمینار سالانه افسران مجوز حرفه‌ای، ضمن تقدیر از تلاش‌ها و خدمات مصطفی زارعی، رئیس پیشین کمیته مجوز حرفه‌ای، از زحمات وی در مسیر توسعه و اجرای فرایند مجوز حرفه‌ای در فوتبال ایران قدردانی کرد. وی با اشاره به حساسیت و اهمیت فرایند این مجوز اظهار داشت: «این فرایند یک مسئولیت تخصصی و اثرگذار در فوتبال باشگاهی است و برای تحقق اهداف آن، باید از افسران مجوز حرفه‌ای حمایت شود تا بتوانند وظایف خود را با استقلال، دقت و کیفیت بیشتری دنبال کنند.» ساکت همچنین از برنامه‌ریزی کمیته مجوز حرفه‌ای برای حضور میدانی در استان‌ها و بازدید از باشگاه‌ها خبر داد و گفت: «در این چهارچوب، افسران مجوز حرفه‌ای با حضور در استان‌های مختلف، ضمن بررسی شرایط باشگاه‌ها، با مدیران و اعضای هیأت‌مدیره آنها دیدار و گفت‌وگو خواهند کرد. این بازدیدها فرصتی برای ارتباط مستقیم با باشگاه‌ها، شناسایی دقیق‌تر مسائل و چالش‌های موجود، تبیین الزامات و ارائه راهکارهای لازم برای حرکت باشگاه‌ها در مسیر استانداردهای حرفه‌ای خواهد بود.»

شوک بزرگ به لژیونر ایرانی لخ‌پوزنان بعد از حذف از تیم ملی

صیادمنش یک ماه خانه‌نشین شد

اللهیار صیادمنش به یکی از بازیکنان کلیدی تیم فوتبال لخ‌پوزنان تبدیل شده است، اما به نظر می‌رسد این بازیکن ایرانی در هفته‌های آینده نمی‌تواند تیمش را همراهی کند. رسانه لهستانی meczyzy نوشت: اللهیار صیادمنش در ابتدای فصل نقل‌وانتقالات تابستان به لخ‌پوزنان پیوست. مهاجم ایرانی پس از جدایی از وسترلو بلژیک، فوتبال خود را در لهستان و در ترکیب لخ‌پوزنان ادامه داد. صیادمنش خیلی زود توانست خود را با تیم جدید وفق دهد و آمار او نیز این موضوع را تأیید می‌کند. این بازیکن تاکنون در ۱۵ مسابقه برای لخ‌پوزنان به میدان رفته و هفت گل به ثمر رسانده و دو پاس گل نیز ثبت کرده است تا به یکی از مهره‌های مهم این تیم تبدیل شود. قرار بود صیادمنش شنبه ۱۰اکتبر فرصت حضور در دیدار بعدی لخ‌پوزنان مقابل شلاسک وروتسواف را داشته باشد، اما مشخص شده است که این بازیکن در این مسابقه غایب خواهد بود. لخ‌پوزنان در حال حاضر با قرار گرفتن در رده سوم جدول لیگ برتر لهستان، موسوم به اکسترaklasa، به کار خود ادامه می‌دهد. گورنیک زاژه‌ه صدرنشین است و لژیا ورشو نیز در رده دوم قرار دارد.

گلرئی حسین نژاد در دیدار تدارکاتی

تیم فوتبال دینامو ماخ‌اچ‌قلعه در اردوی آماده‌سازی خود در شهر سن‌پترزبورگ روسیه به مصاف تیم «لنینگرادتس» از لیگ دسته اول این کشور رفت و با نتیجه ۳ بر ۲ به پیروزی رسید. این دیدار بدون حضور تماشاگر و پشت درهای بسته در زمین مجموعه ورزشی «ژلنگورسک» برگزار شد؛ محلی که تیم دینامو در روزهای برگزاری اردوی خود در سن‌پترزبورگ در آن تمرین می‌کند. دینامو در نیمه نخست عملکرد بهتری داشت و با برتری ۲ بر صفر به رختکن رفت. محمد جواد حسین‌نژاد و حامد آکالروف گل‌های دینامو را در این نیمه به ثمر رساندند. در نیمه دوم، تیم لنینگرادتس توانست در فاصله پنج دقیقه تا پایان مسابقه دو گل به ثمر برساند و بازی را به تساوی بکشاند. با این حال، حسام مرزیک بار دیگر دینامو را پیش انداخت. گل این بازیکن آخرین گل مسابقه بود تا دینامو با نتیجه ۳ بر ۲ به پیروزی برسد.

هشدار صریح وزیر ورزش درباره کارنامه ضعیف تیم‌های ملی

نوبت حساب‌کشی از فوتبال رسید



کارنامه فوتبال با

تعداد مسابقات

سنجیده

نمی‌شود؛

با نتیجه

برنامه‌ریزی

پاسخگویی و

توانایی عبور

از چالش‌ها

سنجیده

می‌شود. اکنون

زمان آن رسیده

که فدراسیون

فوتبال درباره

این کارنامه

شفاف و بدون

تعارف پاسخ

بدهد

ناکامی دیگر نمی‌تواند فقط یک اشتباه فنی تلقی شود. وقتی یک ناکامی بارها تکرار می‌شود، باید سراغ ساختار رفت. اظهارات وزیر درباره جلسه با مدیران استقلال و تراکتور برای حل مسأله حضور بازیکنان در اردوی تیم امید نیز قابل تأمل است. چرا فدراسیون فوتبال باید برای موضوعی تا این اندازه اساسی، در آستانه مسابقات وارد مذاکره و رایزنی شود؟ رابطه تیم ملی و باشگاه‌ها باید از مدت‌ها قبل دارای چهارچوب مشخص باشد. اگر هر باشگاه براساس برنامه خودش تصمیم بگیرد و تیم ملی برای جمع کردن بازیکنان با باشگاه‌ها مواجه شود، نمی‌توان انتظار داشت تیمی با هارمونی و آمادگی کامل وارد مسابقات شود.

مسأله مهم‌تر، سخنان وزیر درباره عملکرد فوتبال در جام جهانی است. دنیامالی صراحتاً گفته است: «باید قبول کنیم بضاعت فوتبال ما خیلی باید بیشتر باشد.» این جمله را نمی‌توان یک اظهارنظر ساده تلقی کرد. وقتی وزیر ورزش معتقد است ظرفیت و بضاعت فوتبال ایران بیش از عملکردی است که ارائه شده، معنای روشن آن این است که بخشی از ظرفیت موجود به‌دلیل ضعف در مدیریت، برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری به نتیجه تبدیل نشده است.

وزیر همچنین به تصمیمی در جام جهانی اشاره کرده و گفته بود اگر به یکی از اعضای تیم ویزا داده نشد، تیم از مکزیک به آمریکا نرود، اما این توصیه مورد توجه قرار نگرفت. این بخش از اظهارات دنیامالی، پرسش مهمی را درباره سطح هماهنگی میان مدیریت ورزش کشور و مدیریت فوتبال مطرح می‌کند. اگر یک هشدار اجرایی از سوی عالی‌ترین مقام ورزش

کشور مطرح می‌شود اما در نهایت تصمیم دیگری گرفته می‌شود، چه کسی باید درباره پیامدهای آن تصمیم موجود به‌دلیل ضعف حرفه‌ای فقط به نتیجه داخل زمین محدود نمی‌شود؛ مدیریت سفر، برنامه‌ریزی، هماهنگی و پیش‌بینی مشکلات نیز بخشی از همان کارنامه‌ای است که باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

فدراسیون فوتبال البته با محدودیت‌های جدی مواجه است. تحریم‌ها، مشکلات مالی، محدودیت‌های بین‌المللی و دشواری برگزاری مسابقات، بخشی از واقعیت فوتبال ایران است. اما همین‌جا باید یک رمز روشن ترسیم کرد.

مشکلات خارجی نباید به پوششی برای ضعف‌های داخلی تبدیل شوند. هنرمدیریت این است که در شرایط دشوار، راه‌حل پیدا کند، نه‌اینکه هر ناکامی را به شرایط موجود نسبت دهد.

در همین‌رو، سخنان اخیر دنیامالی را باید یک هشدار جدی به مدیریت فوتبال دانست. شاید مهم‌ترین پیام این اظهارات این باشد که کارنامه فعلی فدراسیون فوتبال در وزارت ورزش و جوانان آتچنان‌که باید قابل قبول نیست. این موضوع زمانی جدی‌تر می‌شود که انتقادهای فقط درباره یک مسابقه یا یک تیم نیست و مجموعه‌ای از تصمیمات و عملکردها را در برمی‌گیرد.

فدراسیونی که به گفته وزیر سالانه صدها هزار مسابقه برگزار می‌کند، باید بتواند نشان دهد خروجی این حجم از فعالیت چیست. اگر فوتبال پایه چنین پشتوانه‌ای دارد، چرا تیم امید همچنان در رسیدن به اهداف ابتدایی خود ناکام می‌ماند؟ اگر برنامه‌ریزی دقیق وجود دارد، چرا هر دوره با همان مشکلات قدیمی روبه‌رو هستیم؟ و اگر همه چیز به‌خوبی مدیریت شده، مسئولیت این ناکامی‌های پرتکرار دقیقاً متوجه چه کسی است؟

اکنون تپ در زمین فدراسیون فوتبال است. پاسخ مناسب، نه تکیذب و نه توجیه، بلکه ارائه یک برنامه روشن برای اصلاح این فدراسیونی که به گفته وزیر سالانه صدها هزار مسابقه برگزار می‌کند، اما اگر این هشدار هم مانند بسیاری از هشدارهای گذشته فراموش شود، همان مسأله قدیمی قرار خواهد گرفت: چرا با وجود این همه امکانات، تجربه و ظرفیت، هنوز از حل ابتدایی‌ترین چالش‌های مدیریتی خود ناتوان است؟ کارنامه فوتبال با تعداد مسابقات سنجیده نمی‌شود؛ با نتیجه، برنامه‌ریزی، پاسخگویی و توانایی عبور از چالش‌ها سنجیده می‌شود. اکنون زمان آن رسیده که فدراسیون فوتبال درباره این کارنامه شفاف و بدون تعارف پاسخ بدهد.

از جنگ جهانی تا کرونا؛ جام‌های حذفی بارها متوقف شده‌اند

لغو جام حذفی، تابوشکنی نیست



از رقابت‌های حذفی در کشورهای مختلف لغو شدند و برخی دیگر با تغییر فرمت، کاهش تعداد مسابقات یا حذف بازی‌های تکراری ادامه پیدا کردند. بنابراین، اگر در شرایط فعلی فوتبال ایران نیز تصمیم به لغو جام حذفی بی‌سابقه در فوتبال جهان داشت. در موقعیت‌هایی که ادامه مسابقات با محدودیت‌های جدی روبه‌رو است و شش‌رگی تقویم می‌تواند تأثیر قرار دهد، تغییر در ساختار مسابقات یا حتی کنار گذاشتن یک تورنمنت از جمله گزینه‌های پیش روی برگزارکنندگان است.

مسأله اصلی فقط لغو یا برگزاری جام حذفی نیست؛ بلکه زمان تعیین تکلیف این رقابت‌هاست. باشگاه‌ها برای ادامه فصل به برنامه‌ای مشخص نیاز دارند و باید بدانند که قرار است چه تعداد مسابقه در پیش داشته باشند، چه زمانی وارد تعطیلات می‌شوند و چگونه باید تمرینات، نقل و انتقالات و برنامه آماده‌سازی خود را تنظیم کنند. بلا تکلیفی در این زمینه می‌تواند مشکلات تازه‌ای برای تیم‌هایی ایجاد کند که از همین حالا



احتمال لغو رقابت‌های جام حذفی فوتبال ایران در شرایط خاصی که کشور با آن مواجه است، بار دیگر این پرسش را مطرح می‌کند که در چنین موقعیت‌هایی، اولویت با برگزاری تمام مسابقات است یا باید برای حفظ نظم تقویم فوتبال از برخی رقابت‌ها صرف‌نظر کرد؟ تجربه فوتبال جهان نشان می‌دهد که برگزار نشدن جام‌های حذفی در شرایط بحرانی، اتفاقی بی‌سابقه نیست؛ اما آنچه اهمیت بیشتری دارد، نحوه تصمیم‌گیری و زمان اعلام آن است. فوتبال در کشورهای مختلف، بارها تحت تأثیر جنگ، همه‌گیری و چالش‌های خارج از زمین قرار گرفته است. در انگلیس، جام حذفی در جریان جنگ جهانی دوم متوقف شد و پس از پایان جنگ، با تغییراتی در شیوه برگزاری از سر گرفته شد. جام حذفی ایتالیا نیز پس از فصل ۱۹۴۳-۱۹۴۲ برای سال‌ها از تقویم فوتبال این کشور کنار رفت و سرانجام در سال ۱۹۵۸ بازگشت. در دوران همه‌گیری کرونا هم تعدادی

گرفتن در برنامه‌های آینده تیم ملی رقابت کنند. با این حال، یک نکته مهم در برنامه آماده‌سازی تیم ملی به چشم می‌آید: ملی‌پوشان در این اردو مسابقه دوستانه‌ای پیش‌رو ندارند. تمرینات به‌تنهایی نمی‌تواند جای تجربه بازی مقابل حریفان متفاوت را بگیرد؛ به‌خصوص برای بازیکنانی که نخستین حضور خود را در فضای تیم ملی تجربه می‌کنند. اگر هدف شمسایی، جوانگرایی و آماده‌سازی نسلی تازه برای رقابت‌های آینده است، این تغییرات باید با فرصت کافی برای بازی کردن و ارزیابی عملی بازیکنان همراه شود.

دو شکست، برنامه‌ریزی غلط و یک اردوی بدون دستاورد

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

یوزها همچنان درجا می‌زنند

بودند و این بازی‌های تکراری، بازیکنان تیم ملی را در شرایطی تازه برای حضور باالگیزه در رقابت‌های دوستانه و جام ملت‌های آسیا قرار نمی‌داد. نکته اینجاست که پس از شکست مقابل روسیه، اردوی تیم ملی بدون برگزاری تمرینات با پایان رسید و بازیکنان لژیونر حاضر در لیگ ایران بدون استفاده از فرصت هفته دوم بازی‌های ملی فیفا، به اردوی تیم باشگاهی خود بازگشتند و تلاش فدراسیون برای برگزاری بازی دوستانه سوم با ۳گزینه گینه بیسائو، گینه استوایی و ونزوئلا با شکست مواجه شد تا ایران در فاصله کمی که تا جام ملت‌های آسیا باقی مانده، فرصت یک اردوی کامل را از دست بدهد.

جالب اینکه با توجه به طولانی شدن مذاکرات برای برگزاری یک بازی تدارکاتی، فدراسیون تصمیم خود برای پایان اردوی تیم ملی را دیرتر از موعد مناسب اعلام کرد و همین موضوع باعث شد تا در میانه یک فصل فشرده، برنامه‌ریزی مسابقات لیگ برتر نیز بهم بریزد.

همزمانی این بازی‌ها با بازی‌های آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای فوتبال ایران نداشت، جلوی

جانب آسیایی ناگویا که با ناکامی عجیب تیم امید همراه بود، باعث شد تا تعداد زیادی از بازیکنان جوان که فرصت حضور در اردوی تیم ملی پیش از جام ملت‌ها را داشتند، فرصت همراهی تیم ملی در این اردو را از دست بدهند و عملاً تورنمنتی که هیچ دستاوردی برای

لیونل مسی قرار است ۶ اکتبر در ورزشگاه مونومنتال برای آخرین بار با پیراهن تیم ملی آرژانتین به میدان برود و در دیدار مقابل بنین، با هوادارانی خداحافظی کند که نزدیک به دو دهه شاهد مهم‌ترین لحظات دوران ملی او بوده‌اند. مسی از سال ۲۰۰۵ پیراهن آلبی سلسسته را بر تن کرده و با ۲۰۷ بازی و ۱۲۵ گل، بهترین گلزن تاریخ تیم ملی آرژانتین است. قهرمانی کوپا آمریکا و جام جهانی ۲۰۲۲، مهم‌ترین افتخارات او با تیم ملی محسوب می‌شود. برای این مسابقه یک پیراهن ویژه با جزئیات طلایی، نام و شماره ۱۰ مسی و المان‌هایی الهام‌گرفته از خورشید ماه مه طراحی شده است. همچنین ادعایی درباره نگهداری بازوبند کاپیتانی مسی در موزه پس از این بازی منتشر شده، اما این موضوع هنوز از سوی فدراسیون فوتبال آرژانتین تأیید نشده است. با این حال، شب مونومنتال می‌تواند پایانی نمادین بر یکی از بزرگ‌ترین دوران‌های تاریخ فوتبال ملی آرژانتین باشد.

میلان برای آینده خط میانی خود به یاسین عیاری، هافبک ۲۲ ساله برایتون و تیم ملی سوئد، چشم دوخته است؛ بازیکنی که طبق گزارش رسانه‌های ایتالیایی از سال ۲۰۲۵ در فهرست بازیکنان روسوئری قرار دارد. شرایط لوکا مودریچ یکی از دلایل افزایش توجه میلان به عیاری است. ستاره کروات ۴۱ ساله در آخرین سال قرارداد خود با باشگاه ایتالیایی قرار دارد و احتمال بازنشستگی یا جدایی او در پایان فصل، مدیران میلان را به فکر جانشین انداخته است. عیاری بازیکنی چندیسته است و توانایی بازی در پست هافبک دفاعی، مرکزی، بازیساز و حتی هافبک تهاجمی را دارد. او فصل گذشته در ۳۲ بازی لیگ برتر چهار گل و سه پاس گل ثبت کرد. قراردادش با برایتون تا ۲۰۲۷ اعتبار دارد و باشگاه انگلیسی امکان تمدید آن تا ۲۰۲۸ را نیز دارد. ارزش او حدود ۴۰ میلیون یورو برآورد شده و ممکن است برای جذبش رقمی نزدیک به ۵۰ میلیون یورو لازم باشد. لیورپول، چلسی و تاتنهام نیز پیش‌تر به این بازیکن علاقه نشان داده‌اند.

لیورپول ممکن است تابستان آینده بار دیگر به سراغ چارل کوانسا برود؛ مدافعی که در تابستان ۲۰۲۵ راهی بایرلورکوزن شد و در قرارداد انتقالش بندی برای بازخريد توسط باشگاه انگلیسی گنجانده شده بود. ارزش این بند حدود ۷۰ میلیون یورو گزارش شده، اما لیورپول در تابستان ۲۰۲۶ تصمیم گرفت از آن استفاده نکند. با این حال، شرایط دفاعی قرمزها می‌تواند با پایان فصل آینده تغییر کند و احتمال بازگشت کوانسا دوباره روی میز قرار بگیرد. قرارداد ویرجیل فن دایک نیز تا تابستان ۲۰۲۷ اعتبار دارد و آینده این مدافع هلندی هنوز قطعی نیست. از سوی دیگر، لیورپول آراؤنخو را به صورت قرضی از بارسلونا جذب کرده و قرارداد او شامل گزینه خرید است. حضور ژاکه و لئونی نیز نشان می‌دهد باشگاه در حال آماده‌سازی نسل بعدی خط دفاعی است. با این حال، هیچ تصمیمی درباره کوانسا یا خرید قطعی آراؤنخو اعلام نشده و در حد گمانه‌زنی‌های نقل‌وانتقالاتی باقی مانده‌اند.

هری کین پس از پیروزی خیره‌کننده ۷ بر صفر انگلیس مقابل کرواسی، این مسابقه را نمونه‌ای از همان نمایش کاملی دانست که تیم تحت هدایت توماس توخل به دنبال آن است. کاپیتان انگلیس در این مسابقه دو گل زد و یک پاس گل داد و پس از بازی تأکید کرد تیمش از نخستین تا آخرین دقیقه کاملاً بر بازی مسلط بوده است. کین گفت انگلیس هم در کار با توپ و هم در زمان از دست دادن مالکیت، عملکردی کم‌نقص ارائه کرده و فشار فیزیکی و سرعت بازیکنان هجومی، کرواسی را از جریان مسابقه خارج کرده است. او همچنین از انعطاف چهار بازیکن هجومی انگلیس، از جمله آنتونی گوردون، بوکایو ساکا و جود بلینگام، تمجید کرد. کین با ۸۹ گل در ۱۲۴ بازی ملی اکنون تنها یک مسابقه با رسیدن به رکورد ۱۲۵ بازی ملی پیتر شلیتون فاصله دارد. او درباره توپ طلا نیز گفت کسب این جایزه فوق‌العاده خواهد بود، اما فعلاً تمرکزش روی عملکرد در زمین و بازی برای انگلیس است.

لیونل اسکالونی، سرمربی تیم ملی آرژانتین، پس از پیروزی ۷ بر صفر برابر بورکینافاسو از حریف آفریقایی به دلیل حضور در این مسابقه تشکر کرد و گفت همه چیز برای یک شب احساسی در خداحافظی لیونل مسی آماده است. بورکینافاسو تنها چند ساعت پیش از آغاز مسابقه و پس از سفری طولانی از کارابلاکا به بوئنوس آیرس رسید. به دلیل مشکلات مالی و هماهنگی پرواز، تیم بزرگسالان این کشور از سفر منصرف شد و در نهایت تیم زیر ۲۳ سال بورکینافاسو به آرژانتین رفت. اسکالونی گفت آرژانتین این مسابقه را مانند یک فینال بازی کرد تا به بازیکنان جوان حریف احترام بگذارد. او حضور آنها را قابل تقدیر دانست و گفت می‌توانستند در کشور خود بمانند و مسابقه لغو شود. سرمربی آرژانتین در ادامه درباره خداحافظی مسی گفت بازی پیش‌رو برای همه، به‌خصوص خود مسی، بسیار احساسی خواهد بود. این روز متعلق به مسی و هم‌تیمی‌هایی است که بزرگ‌ترین لذت‌های دوران فوتبال او را رقم زده‌اند.

نمایش قدرت فرمانده شماره ۱۰

جود بلینگام در پیروزی تاریخی ۷ بر صفر انگلیس برابر کرواسی، نمایشی ارائه کرد که فراتر از یک بازی خوب یا حتی یک شب درخشان بود؛ هافبک رئال مادرید با یک گل و سه پاس گل، تقریباً در تمام ابعاد بازی اثرگذار بود و نشان داد چرا می‌تواند در سال‌های آینده به چهره اصلی نسل جدید فوتبال انگلیس تبدیل شود. آخرین لحظات مسابقه در حالی سپری می‌شد که انگلیس با اختلافی سنگین پیش‌بود، اما بلینگام همچنان به دنبال تأثیرگذاری بیشتر بود. او در نیمه زمین خودی صاحب توپ شد، پس از چند بار اسکن کردن زمین، با پاس دقیق و حساب‌شده مورگان راجرز را در موقعیت گل قرار داد تا هفتمین گل انگلیس نیز به ثمر برسد. سه پاس گل و یک گل، سهمی کم‌نظیر برای یک هافبک بود؛ آماری که یادآور نمایش دیوید پلات در پیروزی ۶ بر صفر برابر سن‌مارینو در سال ۱۹۹۳ است.

بلینگام در جام جهانی نیز نشانه‌های این تحول را نشان داده بود. هفت گل او در آن رقابت‌ها تنها توسط لیونل

مسی و کیلیان امپابه بیشتر بود و از همان زمان مشخص شد که نقش او در تیم ملی انگلیس صرفاً به یک هافبک خلاق محدود نخواهد ماند. اکنون این بازیکن ۲۳ ساله ۵۹ بازی ملی و ۱۴ گل برای انگلیس در کارنامه دارد؛ آماری قابل توجه برای بازیکنی که هنوز به ۲۴ سالگی نرسیده است. هری کین همچنان چهره محوری و یکی از بزرگ‌ترین بازیکنان تاریخ معاصر انگلیس محسوب می‌شود، اما نشانه‌های رهبری در بلینگام روزبه‌روز پررنگ‌تر می‌شود. او در ۲۰ دقیقه پایانی دیدار با کرواسی، پس از خروج کین، بازوبند کاپیتانی را نیز بر بازو بست؛ اتفاقی که می‌تواند تصویری از آینده تیم ملی انگلیس باشد.

جالب اینکه یک سال پس از کنار گذاشته شدن از فهرست تیم ملی، بلینگام اکنون بیش از هر زمان دیگری با ایده‌های توماس توخل هماهنگ به نظر می‌رسد. قدرت بدنی و شدت بازی او با هوش، تکنیک و توانایی تصمیم‌گیری ترکیب شده و همین ویژگی‌ها او را به یکی از مهم‌ترین مهره‌های تیم انگلیس تبدیل کرده است. توخل پس از مسابقه با اشاره به عملکرد بلینگام گفت بازیکنان برای رسیدن به سطح بعدی نباید متوقف شوند. سرمربی انگلیس همچنین نمایش تیمش را یکی از کامل‌ترین عملکردهای دوران حضور خود در این تیم دانست. در ریبیکا، تقاوت میان دو شماره

۱۰ انگلیس و کرواسی نیز بسیار معنادار بود. در یک سوی میدان، لوکا مودریچ، اسطوره ۳۹ ساله کرواسی، روز دشواری را پشت سر گذاشت و در نیمه دوم تعویض شد؛ در سوی دیگر، بلینگام ۱۸ هاشتم آغازگر نمایش انگلیس بود و خودش نیز گل دوم را روی پاس گوردون به ثمر رساند. این گل، هشتمین گل او در ۱۱ بازی اخیر ملی بود؛ در حالی که در ۴۸ بازی قبلی تنها شش بار موفق به گلزنی

این تیم با حضور کین، بوکایو ساکا و آنتونی گوردون، یکی از بهترین نمایش‌های خود را ارائه داد و هر چهار بازیکن هجومی انگلیس پیش از پایان نیمه نخست درخشان ظاهر شدند. پاس بلینگام برای گل کین در دقیقه هشتم آغازگر نمایش انگلیس بود و خودش نیز گل دوم را روی پاس گوردون به ثمر رساند. این گل، هشتمین گل او در ۱۱ بازی اخیر ملی بود؛ در حالی که در ۴۸ بازی قبلی تنها شش بار موفق به گلزنی

البته پیروزی انگلیس را نمی‌توان تنها به نام بلینگام نوشت. خط حمله

نقطه ضعف کرواسی در این بازی را نمی‌توان صرفاً به عملکرد مدافعان یا دروازه‌بان نسبت داد. خط میانی نیز نتوانست فشار انگلیس را خنثی کند. لوکا مودریچ، که هنوز نماد فوتبال کرواسی است، در آستانه ۴۱ سالگی دیگر نمی‌تواند به تنهایی ریتم مسابقه را کنترل کند؛ به‌خصوص وقتی حریف بازیکنی مانند جود بلینگام را در اختیار دارد که هم شاید بهترین تصویراز مسابقه بود. مودریچ در بزرگی ایجاد کرد. تقاوت دو تیم در شماره (۱۰)‌ها شاید بهترین تصویراز مسابقه بود. مودریچ در نیمه دوم تعویض شد، در حالی که بلینگام با یک گل و سه پاس گل، یکی از کامل‌ترین نمایش‌های دوران ملی خود را ارائه کرد. این تقابل بیش از آنکه صرفاً دو بازیکن را مقابل یکدیگر قرار دهد، تصویر برخورد دو نسل متفاوت بود؛ نسلی که کرواسی را به فینال جام جهانی رساند و نسلی که حالا باید جای آن را بگیرد.

شکست برابر انگلیس برای اسلاون بلیچ نیز غریبه‌ای سنگین بود. او که پس از بیش از یک دهه به نیمکت کرواسی برگشته، کار خود را با پیروزی برابر جمهوری چک آغاز کرده بود، اما پس از شکست ۲ بر یک مقابل اسپانیا، حالا یک شکست تاریخی روبه‌رو شده است. کرواسی در فاصله کوتاهی دو شکست سنگین برابر دو قدرت بزرگ اروپا متحمل شده و این پرسش را ایجاد کرده

که آیا مشکل، صرفاً یک شب بد بوده یا نشانه‌ای از بحران عمیق‌تر است. سایت نئوی لیست حتی از «فروپاشی تاریخی» و عملکردی غیرقابل قبول سخن گفته و تأکید کرده است که کرواسی از همان ابتدا سردرگم و کند به نظر می‌رسید. این رسانه معتقد است مسأله اصلی فقط برتری انگلیس نبود؛ بلکه کرواسی در رویکرد، شدت و سازمان تیمی نیز شکست خورد.

شاید مهم‌ترین پیام این مسابقه برای فوتبال کرواسی این باشد که دوران اتکا به نسل طلایی به پایان نزدیک شده است. مودریچ همچنان بازیکنی استثنایی است، اما نمی‌توان انتظار داشت او، کواچچ و دیگر ستاره‌های نسل گذشته برای همیشه بار تیم ملی را به دوش بکشند. از سوی دیگر، بازیکنانی مانند یوشکو گواردیول، لوکا ووشکوویچ، مارتین باتورینا و دیگر چهره‌های جوان باید سریع‌تر به ستون‌های اصلی تیم تبدیل شوند. مشکل کرواسی کمبود استعداد نیست؛ مسأله این است که نسل جدید هنوز نتوانسته خلأ نسل طلایی را پر کند. دیدار با اسپانیا در ششم اکتبر حالا بیش از یک مسابقه دیگر در لیگ ملت‌هاست. کرواسی باید نشان دهد شکست ۷ بر صفر یک فاجعه مقطعی بوده یا نشانه‌آغاز دوره‌ای تازه و بسیار دشوار. آنچه در ریبیکا رخ داد، برای تیمی با سابقه کرواسی، فقط یک باخت نبود؛ هشدار بود که نمی‌توان دیگر آن را نادیده گرفت.

لوکا مودریچ، کاپیتان تیم ملی کرواسی، شکست سنگین ۷ بر صفر مقابل انگلیس در لیگ ملت‌های اروپا را یکی از تلخ‌ترین شب‌های دوران ملی خود توصیف کرد و مسئولیت این نتیجه را متوجه تمام اعضای تیم دانست. مودریچ پس از بازی گفت کرواسی بدون دوتل، جنگندگی، اتحاد و تهاجم بازی کرده است. او تأکید کرد شکست مقابل تیمی قدرتمند قابل پذیرش است، اما نحوه شکست کرواسی اعتبار سال‌های اخیر این تیم را زیر سؤال برده است. ستاره باتجربه رئال مادرید و میلان گفت در ۲۰ سال حضورش در تیم ملی، برای نخستین بار پس از یک مسابقه احساس شرم کرده است.

او از بازیکنان خواست به دنبال مقصر نگردند و کنار یکدیگر بمانند. مودریچ با اشاره به بازی بعدی برابر اسپانیا تأکید کرد کرواسی باید با غرور، انگیزه و اتحاد واقعی خود به زمین بازگردد و ثابت کند این شکست، هویت تیم را تغییر نداده است.



به لوکاسلیک مقابل پاری‌سن‌ژرمن. با این حال، نکته‌نگران‌کننده‌تر از نتایج، نیمکت کوتاه تیم است. ژنسیو با گروهی محدود از بازیکنان کار می‌کند و فرسودگی مهره‌های اصلی می‌تواند در هفته‌های آینده بیشتر خودش را نشان دهد. در همین حال، هواداران نیز در دیدار برابر پاری‌سن‌ژرمن اعتراض خود را به مدیریت باشگاه نشان دادند. شعارهایی علیه فرانک مک‌گورت، مالک آمریکایی مارسی، سر داده شد و حتی هواداران با اشاره‌ای کنایه‌آمیز به یوگا، دیر با زود فشار را متوجه بشیکتاش در لیگ اروپا و شکست

مهمی از هواداران و رسانه‌های نزدیک به باشگاه معتقدند مشکل اصلی، کمبود بازیکن و سیاست مالی باشگاه است، اما فوتبال در نهایت مربی را نیز پاسخگو می‌کند.

شروع فصل نشان می‌دهد مشکلات خارج از زمین مستقیماً به عملکرد تیم منتقل شده است. مارسی پس از پیروزی افتتاحیه برابر استراسبورگ، در پنج مسابقه بعدی شکست خورد؛ از جمله شکست ۲ بر صفر مقابل موناکو، باخت سنگین ۴ بر یک برابر بشیکتاش در لیگ اروپا و شکست

شاید بهترین تصویراز وضعیت فعلی مارسی باشد؛ باشگاهی که حتی برای خرید بازیکن، ابتدا باید هزینه‌هایش را کاهش دهد.

بحران تنها به مدیران و بازیکنان محدود نمانده است. ماجرای پیر امیل هویبرگ و تلاش باشگاه برای فروش او، اختلاف بر سر آینده نایف آکرد و مهم‌تر از همه، پرونده ابکور پایشائو نشان داد که میان کادر فنی و مدیریت نیز شکاف‌هایی وجود دارد. ژنسیو برای حفظ پایشائو در تیم مداخله کرد و حتی گزارش‌هایی درباره تهدید او به استعفا منتشر شد. این اتفاق نشان داد که مربی جدید مارسی نمی‌خواهد نقش خود را به مدیریت تیمی که صرفاً برای بقا ساخته شده، محدود کند. مشکل ژنسیو اما این است که نتایج چوناکو، باخت سنگین ۴ بر یک برابر بشیکتاش در لیگ اروپا و شکست

پشت این سیاست ریاضتی، مشکلات مالی سنگینی قرار دارد. مارسی در تابستان از سوی یوفا و نهاد نظارتی مالی فوتبال فرانسه تحت فشار قرار گرفت. یوفا به دلیل رعایت نشدن اهداف مالی، باشگاه را جریمه کرد و محدودیت‌هایی نیز برای حضور اروپایی آن در نظر گرفت. از سوی دیگر، DNCG نیز به دلیل زبان‌های سنگین سال‌های اخیر، سقف دستمزدها و فعالیت نقل‌وانتقالاتی باشگاه را محدود کرد. ناگامی در کسب سهمیه لیگ قهرمانان اروپا نیز شرایط را دشوارتر کرد. مارسی فصل گذشته تنها یک امتیاز با لیون فاصله داشت و در نهایت پنجم شد؛ نتیجه‌ای که از نظر مالی ضربه بزرگی به باشگاه وارد کرد. ژنسیو در اواخر تابستان صراحتاً اعلام کرد که برای جذب یک یا دو بازیکن جدید، ابتدا باید چند بازیکن دیگر از فهرست خارج شوند. این جمله

مارسی در آستانه فروپاشی

المپیک مارسی فصل جدید را با شرایطی آغاز کرده که حتی بدبین‌ترین هواداران این باشگاه نیز شاید تصور نمی‌کردند تا این اندازه وخیم باشد. تیمی که قرار بود یکی از مدعیان فوتبال فرانسه باشد، پس از تنها شش بازی در منطقه سقوط قرار گرفته و پنج شکست متوالی را تجربه کرده است؛ آماری که بدترین شروع تاریخ این باشگاه در یک فصل محسوب می‌شود.

اما آنچه در زمین فوتبال دیده می‌شود، تنها بخش قابل مشاهده بحران مارسی است. ریشه مشکلات به تابستانی بازمی‌گردد که باشگاه به جای تقویت تیم، ناچار شد بخش قابل توجهی از سرمایه انسانی خود را برای کاهش هزینه‌ها از دست بدهد.

مارسی یکی از عجیب‌ترین پنجره‌های نقل‌وانتقالاتی فوتبال اروپا را پشت سر گذاشت. این باشگاه

اردوگاه سرخ

هیأت مدیره از تیم بانوان جام می خواهد

در جلسه اخیر هیأت مدیره باشگاه پرسپولیس که پیمان حدادی هم در آن حاضر بود اعضا به این جمع بندی رسیدند که با توجه به شرایط تیم های پایه و بانوان در رقابت های جاری، ضرورت شناسایی و برطرف کردن مشکلات و تأمین نیازمندی های این تیم ها لازم است تا مجموعه های تحت پوشش باشگاه با حداکثر توان به مسیر خود ادامه دهند.

هیأت مدیره همچنین تأکید کرد: هدف باشگاه صرفاً حضور در رقابت ها نیست و باید تمامی ظرفیت های لازم برای موفقیت تیم های پرسپولیس فراهم شود. بر همین اساس، مقرر شد حمایت های لازم از تیم های پایه و بانوان با جدیت ادامه پیدا کند و موانع موجود در مسیر فعالیت آنها در کوتاه ترین زمان ممکن برطرف شود. در این جلسه، کسب بهترین جایگاه ممکن، قرار گرفتن در رتبه نخست و دستیابی به جام به عنوان اهداف مورد انتظار باشگاه مورد تأکید قرار گرفت و اعضای هیأت مدیره خواستار آن شدند که نیازهای فنی، اجرایی و پشتیبانی تیم ها برای رسیدن به این اهداف به صورت مستمر پیگیری شود.

در پایان مقرر شد؛ مدیرعامل باشگاه، نیازمندی ها و مسائل تیم های پایه و بانوان را جمع بندی و برای اتخاذ تصمیمات لازم به هیأت مدیره ارائه کند تا اقدامات مورد نیاز برای رفع مشکلات و تقویت این تیم ها در سریع ترین زمان ممکن انجام شود.

علیپور و پورعلی برگشتند کنعانی هم برمی گردد

همان طور که انتظار می رفت بیشتر بازیکنان مصدوم پرسپولیس در فاصله باقیمانده تا بازی مقابل صنعت نفت آبادان که جمعه برگزار خواهد شد شرایط حضور در تمرینات گروهی را پیدا می کنند.

در حالی که قرار بود روز شنبه کاپتان های پرسپولیس تست بدهند اما علیپور از همین روز به تمرینات گروهی برگشت تا مشخص شود مصدومیتش اصلاً جدی نبوده است. همچنین پویا پورعلی که در بازی تدارکاتی مقابل جادرملو آسیب دیده بود نیز از روز شنبه در تمرین گروهی حضور یافت.

قبل از این بازیکنانی مثل عمری، ابرقویی و طاهری هم به تمرینات برگشته بودند و حالا فقط فیکس بودند که به نظر می رسد مصدومیت کنعانی هم به زودی برطرف شده و او نیز در بازی جمعه حاضر باشد.

جلالی و گرا در دسترس تارتار

ابوالفضل جلالی مدافع چپ سرخ ها که در تعطیلات فیفادی هم یک مصدومیت جزئی را پشت سر گذاشت و در دو بازی تدارکاتی تیمش به میدان نرفت در تمرین روز شنبه حضور داشته و به نظر نمی رسد مشکلی برای بازی جمعه داشته باشد. هر چند شاید به خاطر شرایط بدنی اش در ترکیب قرار نگیرد.

از سوی دیگر دنیل گرا هم که حدود دو ماه مصدوم بوده از شنبه در تمرین گروهی حضور یافته و به نظر می رسد بالاخره کم کم شرایط بازی را پیدا خواهد کرد. البته بعید است فعلاً این مدافع راست مجارستانی را در لیست تیم ببینیم و شاید از یکی دو هفته بعد وارد عرصه رقابت شود.

اتفاق ویژه در ساختمان باشگاه

در راستای گرامیداشت شهدای مدرسه شجره طوبه میناب، تصاویر تمامی شهدای این حمله تروریستی در ساختمان شهدای میناب باشگاه پرسپولیس نصب شد.

این اقدام، ادای احترام خانواده بزرگ پرسپولیس به مقام شاخخ شهدا و خانواده های معزز آنان و گامی در جهت پاسداشت فرهنگ ایثار، فداکاری و شهادت به شمار می رود.

باشگاه پرسپولیس ضمن گرامیداشت یاد و خاطره تمامی شهدای مدرسه میناب، بر ضرورت صیانت از نام و یاد شهدا و ترویج فرهنگ ایثار و فداکاری در جامعه تأکید دارد.

صدرنشینی زنان با حروف الفبا

مسابقات لیگ برتر فوتبال زنان در حالی با برگزاری هفته سوم دنبال شد که پرسپولیس و سپاهان با بردن رقبای خود به امتیاز ۹ رسیدند؛ دو تیمی که در فوتبال مردان نیز رقابتی دیرینه با یکدیگر دارند و امسال تا به اینجای فوتبال زنان هم به شکلی جالب، عملکردی کاملاً شبیه یکدیگر داشته اند. در حال حاضر، نه تنها هر دو تیم ۹ امتیازی هستند و با ۳ برد و ۳ گلین شبت به این مهم دست پیدا کرده اند، بلکه از لحاظ تعداد گل نیز هیچ فرقی با یکدیگر ندارند؛ ۷ گل زده و بدون گل خورده. جالب تر اینکه در این سه هفته، دو حریف مشترک هم داشته اند؛ ملوان بندرانزلی و وارث نوشهر. طبق قانون سازمان لیگ، در طول فصل، رده بندی جدول بر اساس تفاضل گل صورت می گیرد و در پایان فصل اگر از این نظر شرایط دو تیم یکسان باشد، نتیجه بازی مستقیم مالک قرار می گیرد. فعلاً که مسابقات در جریان است، تفاضل و حتی گل های زده و خورده پرسپولیس و سپاهان برابر است تا در اتفاقی که شاید برای اولین بار شاهدش هستیم، صرفاً ترتیب حروف الفبا باعث تعیین جایگاه دو تیم باشد.

گزارش یک محمدقراقرزلو

خیر نگار

با بازگشت علی علیپور به شرایط مسابقه و حضور احتمالی حسین کنعانی زادگان در تمرینات روزهای پیش رو پیش بینی می شود ستون فقرات تیم تارتار همچنان بدون تغییر بماند. مربیان فوتبال معتقدند در کانال مرکزی زمین همواره باید بهترین و شاخص ترین نفرات را در اختیار داشته باشید و اصل اول کسب نتیجه ایجاد یک کانال قدرتمند در میانه زمین است. این کانال از دروازه بان به عنوان تعیین کننده ترین بازیکن آغاز می شود، به دو مدافع میانی بسط می یابد، شامل یک هافبک مرکزی (غالباً آند افعی) می شود و در نهایت به مهاجم نوک می انجامد. معمولاً بیشتر مربیان بهترین و باکیفیت ترین بازیکنان را برای این کانال میانی انتخاب می کنند و البته بیشتر از هر بازیکن دیگری به آنها اعتماد دارند به گونه ای که عمدتاً این نفرات بیشترین زمان حضور در مسابقات را مال خود کرده و خیلی سخت تعویض و جابه جا می شوند مگر اینکه محرومیت یا مصدومیتی پیش بیاید.

در تیم این فصل پرسپولیس این کانال مشکل از پیام نیازمند درون دروازه، محمد مهدی زارع و حسین کنعانی زادگان در قلب دفاع، پویا پورعلی در میانه خط هافبک به عنوان بازیکن پست شش و علی علیپور به عنوان مهاجم نوک بوده است. این بازیکنان در هر شش مسابقه قبلی در مقطع ابتدایی فصل فیکس بودند و به ندرت تعویض شدند. به صورت دقیق تر و مشخصاً علی علیپور دو بار در بازی های هفته های اول و دوم در میانه نیمه دوم تعویض شده و حسین کنعانی نیز در دیدار با ملوان از دقیقه ۸۴ از زمین بیرون رفته است.

با شروع فیفادی و مصدومیت هایی که در مورد بیشتر این بازیکنان پیش آمد اینطور به نظرمی رسد که شاید در بازگشت به لیگ مهدی تارتار مجبور به اعمال تغییراتی در ترکیب اصلی خود شده و ستون فقرات تیمش را به هم بریزد اما هر روز که به دیدار با صنعت نفت نزدیک می شویم مشخص می شود احتمالاً ساختار تیم تارتار با حفظ این کانال میانی تغییری نخواهد کرد و اگر قرار به تغییرات باشد در لایه های بعدی و پست های دیگر صورت خواهد گرفت.

در شروع فیفادی محمد مهدی زارع دچار خونریزی پا شد اما به اردوی تیم ملی رفت و مشکلی نداشت. علی علیپور و حسین کنعانی از ناحیه زانو آسیب دیدند که علیپور برگشته و کنعانی هم باز خواهد گشت و البته پورعلی دچار آسیب شد که او هم بعد از چند روز به کارگروهی برگشت و احتمالاً همگی در کنار نیازمند مثل شش هفته ابتدایی بازی جمعه را از ابتدا شروع خواهند کرد .

در واقع با رقم خوردن این اتفاق و اینکه ستون فقرات تیم تارتار تکانی نخواهد خورد تغییرات در لایه های دیگر در حاشیه قرار می گیرد کما اینکه احتمال دارد هیچ تغییری هم در کار نباشد و تغییرات تنها به یازده بازیکن روی نیمکت محدود شود. واقعیت اینکه محبی برگشته و شرایط بازی هم دارد کما اینکه در بازی دوستانه مقابل گل گهر موفق به گلزنی شد و بقیه نفراتی که در ترکیب اصلی بازی آخر مقابل ذوب آهن بودند نیز شرایط مناسبی برای حضور در میدان دارند و کنعانی آخرین تکه این پازل است که احتمالاً او را نیز در ترکیب اصلی خواهیم دید. از سوی دیگر ابوالفضل جلالی که در دو بازی تدارکاتی ظاهراً به میدان نرفته احتمالاً همچنان نیمکت نشین خواهد بود و شاید دوباره تیکدردی در دفاع چپ بازی کند تا تغییرات ترکیب اصلی در بازگشت دوباره به

۲۶ بازیکن فقط برای ۲۸ مسابقه لیگ برتر پرسپولیس و تنها یک هدف در دسترس

با اعلام سخنگوی فدراسیون فوتبال رقابت های جام حذفی فوتبال کشور برگزار خواهد شد و اینطور به نظر می رسد که تلاش های باشگاه پرسپولیس برای برگزاری این رقابت ها حداقل تا الان بی فایده مانده است .

باشگاه پرسپولیس که در نقل و انتقالات تابستانی تحرکات و فعالیت بسیاری داشته و تیم نسبتاً خوب و اسکواد قدرتمندی فراهم کرده با در نظر گرفتن عدم راهیایی به رقابت های آسیایی خیلی دوست داشت تا در جام های داخلی قدرتمایی کند اما حالا فقط یک هدف باقیمانده دارد و آن چیزی نیست جز قهرمانی لیگ برتر. پرسپولیس در حالی فصل تازه را آغاز کرد که تصور می کرد با این اسکواد می تواند هر دو جام داخلی را کسب کرده و در شرایطی که بقیه رقا با مشکلات مختلفی دست و پنجه نرم می کردند در هر دو جام مدعی اول باشد

فیفادی به نفع جوان خوش تکنیک پرسپولیس

ورود بی سرو صدای صادقی به ترافیک وینگرها



از آن گل استثنایی محمدحسین صادقی به استقلال با پیراهن تیم هوادار حدود ۱۷ ماه گذشته اما در ۱۴ ماه اخیر که او

غیر از پنج بازیکنی که اجزای تشکیل دهنده ستون فقرات ترکیب مد نظر مهدی تارتار هستند دو بازیکن دیگر نیز در هر شش مسابقه قبلی در ترکیب اصلی قرار گرفته و سخت تعویضی شده اند. اتفاقی که برای بازی های پیش رو هم قابل تصور است با این تفاوت که آنها رقبای قدرتمندی دارند که جایشان بیشتر از قبل تهدید می شود.

محمد مهدی محبی و مجید عیبدی دو بازیکن جناح راست پرسپولیس که یکی در پست وینگرو دیگری در خط دفاع بازی می کند جزو خوب های

لیگ برتر صفر باشد. در عین حال بازگشت محمد عمری و درخشش محمدحسین صادقی می تواند ترکیب نیمکت را دگرگون کند. نکته انجاست که با توجه به غیبت دانیال ابری و تداوم مصدومیتش، احتمالاً تارتار مجبور باشد تا از امیرحسین طاهری به عنوان مدافع میانی استفاده کند که شاید روی نیمکت بهره بگیرد که اگر این گوست باشد و البته عمری هم به لیست اضافه شود کار تارتار برای انتخاب یازده بازیکن روی

نیمکت بسیار دشوار خواهد شد. گفتنی است در بازی با ذوب آهن محمد عمری، علیرضا همایی فر و دنیل گرا جایی در فهرست سرخ ها نداشتند و حالا در شرایطی که دانیال ابری احتمالاً به لیست نخواهد رسید تارتار باید عمری را جانشین ابری در ترکیب نیمکت کند که شاید روی کاغذ معقول باشد اما در واقع غلاتی نیست چرا که اینطور ی با حضور صادقی، عمری، محمودی و اورونوف چهار وینگر روی نیمکت

پرسپولیس در شش هفته ابتدایی بودند که یکی دو گل زد و دیگری دو گل ساخت. عیدی فقط یک بار در دیدار آخر مقابل ذوب آهن در دقیقه ۸۶ تعویض شد اما محبی فقط یک بار در بازی هفته دوم مقابل استقلال خوزستان تا آخر در میدان ماند و در پنج بازی دیگر تعویض شد تا مشخص شود به لحاظ بدنی شرایط ایده آلی ندارد.

تیبوی بیفوما را هم می شد در این فهرست قرار داد اما او در بازی با ذوب آهن نیمکت نشین شد و وقتی به زمین رفت و شرایط کیفی تیم را ارتقا داد تارتار به هواداران ثابت کرد چرا او را به اورونوف

خواهد داشت در حالی که فقط یک مدافع میانی (حسین ابرقویی) روی نیمکت می ماند که کار را سخت خواهد کرد و احتمالاً باید برای اولین بار نام امیرحسین طاهری را در فهرست تیم ببینیم. با این شرایط احتمالاً باز هم نام محمد حسین صادقی از فهرست پرسپولیس خط خواهد خورد مگر اینکه حسین کنعانی واقعاً به بازی جمعه نرسد و با فیکس شدن ابرقویی و نیمکت نشینی طاهری، یک جای خالی هم برای

صادقی جوان در نظر گرفته شود. از سوی دیگر بعید است تارتار از این هفته دنیل گرا را به فهرست تیمش بیاورد اما با توجه به حساسیت های ایجاد شده درباره این بازیکن، او نیز خیلی زود به لیست اضافه خواهد شد. در عین حال دانیال ابری هم به زودی به شرایط بازی باز خواهد گشت و پیش بینی می شود کار تارتار برای انتخاب ۲۲ بازیکن هر مسابقه بعد از بازی با نفت بشدت دشوارتر و پیچیده تر شود.



۲۸ مسابقه دیگر تا پایان فصل در پیش دارد چرا که خبری از مسابقه رسمی دیگری در هیچ رقابتی نخواهد بود و مهدی تارتار و کادرفنی باید حضور این تعداد بازیکن در مسابقات پیش رو را مدیریت کرده و طوری کم کم برای دقایقی شانس بازی نیز به متشنج نشود هم بیشترین بازدهی و کارایی را از بازیکنان نامدار و گرانقیمت شان بگیرند.

یک نیمه در میدان حضور یافته است. میزان دقایق حضور پوریا لطیفی فر در ترکیب هم قابل اشاره نیست و تنها یک بار وارد ارنج اصلی شده ضمن اینکه یاسین سلمانی کم کم مدعی حضور در ترکیب می شود و بازی حضور تیکدردی، عمری و محبی در جناح راست و اورونوف، بیفوما و محمودی در سمت چپ ایجاد شده و طبیعی بود که صادقی حتی به نیمکت ذخیره ها

نیز نرسد. با این وجود تعطیلات لیگ برتر برای صادقی خوب و مفید بود و این بازیکن توانست از غیبت ستاره ها و ملی پوشان استفاده برده و در بازی های تدارکاتی خودی نشان دهد. صادقی در بازی اخیر مقابل گل گهر گل زیبایی به ثمر رساند تا

سه گزینه نزدیک به پنج بازیکن اصلی



گره‌ای که با حق پخش باز می شود

فوتبال ایران امروز بیش از آنکه به یک «منبع پول جدید» نیاز داشته باشد، به منطق جدیدی برای پول خرج کردن نیاز دارد.

تا زمانی که حق پخش تعیین تکلیف نشود، درآمد روز مسابقه رشد نکند، فعالیت تجاری باشگاه‌ها توسعه پیدا نکند، آکادمی‌ها به کارخانه بازیکن‌سازی تبدیل نشوند و بازار

انتقال بازیکن به یک منبع واقعی درآمد بدل نشود، باشگاه‌ها همچنان برای پرداخت هزینه‌های امروز، به منابع فردا وابسته خواهند بود و منابع فردا هم بالاخره تمام می‌شوند.

اروپا یک‌شنبه به فوتبال میلیاردری نرسید. پشت این اعداد، سال‌ها اصلاح ساختار، شفافیت، قانونگذاری و پذیرش یک اصل ساده قرار دارد: باشگاهی که درآمد ندارد، نباید اجازه

داشته باشد بی‌محایا هزینه کند.

فوتبال ایران اگر می‌خواهد از چرخه بدهی خارج شود، لازم نیست فوتبال اروپا را کپی کند؛ کافی است همین اصل ساده را جدی بگیرد. پول باید از فوتبال بیاید، نه اینکه فوتبال دائماً دنبال پول بدود. و بدهی، اگر قرار است مهار شود، باید پیش از آنکه به ورشکستگی برسد، مهار شود.

از ۸۴۰ میلیارد تا ۳۱۳ میلیارد تومان در ۴ فصل؛ باشگاه‌ها هر سال بیشتر هزینه می کنند و کمتر درآمد می سازند

قطار زیان انباشته فوتبال ترمز ندارد



خبرنگار

گزارش یک

محمدرضا رحیم‌پور

فوتبال ایران را روشن می‌کند. فوتبال در بسیاری از کشورهای دنیا یک صنعت است؛ در ایران اما هنوز بیشتر شبیه یک هزینه عمومی اداره می‌شود. در فوتبال حرفه‌ای، باشگاه باید متناسب با درآمدش هزینه کند. درآمد از حق پخش تلویزیونی، فروش بلیت، اسپانسرینگ، فروش محصولات، درآمد تجاری، ترانسفر بازیکنان و فعالیت‌های اقتصادی پیرامون برند باشگاه ایجاد می‌شود، اما در فوتبال ایران بخش عمده این زنجیره یا وجود ندارد یا سهم آن بسیار ناچیز است.

به همین دلیل است که وقتی درباره فوتبال اروپا صحبت می‌کنیم، از میلیاردها دلار درآمد حرف می‌زنیم و وقتی به فوتبال ایران می‌رسیم، صحبت اصلی درباره میلیاردها تومان زیان است. این تفاوت، تفاوت استعداد بازیکنان یا علاقه مردم نیست؛ تفاوت ساختار است.

در بازارهای بزرگ فوتبال، باشگاه‌ها توانسته‌اند هوادار را به مشتری اقتصادی تبدیل کنند. هوادار فقط کسی نیست که ۹۰ دقیقه روی سنکو بنشیند؛ او بلیت می‌خرد، پیراهن می‌خرد، اشتراک رسانه‌ای تهیه می‌کند و در اقتصاد باشگاه نقش دارد. حق پخش تلویزیونی نیز بخش مهمی از درآمد باشگاه‌هاست و قراردادهای تجاری، اسپانسرینگ و فروش بازیکن نیز به آن اضافه وخیم‌تر شده است.

حتی رئیس فدراسیون فوتبال نیز نسبت به ادامه این روند هشدار داده و احتمال رسیدن زیان انباشته باشگاه‌های ایرانی به حدود ۴ هزار میلیارد تومان در سال جاری را مطرح کرده است. این هشدار را نمی‌توان تنها با چند جمله درباره مشکلات اقتصادی کنار گذاشت. مسأله، آینده مدل اداره فوتبال ایران است. سؤال ساده است؛ باشگاهی که درآمد واقعی ندارد، چگونه می‌تواند هر سال بیشتر هزینه کند؟ پاسخ این سؤال، بخش مهمی از مشکلات

فوتبال ایران سال‌هاست با یک تناقض بزرگ زندگی می‌کند: فوتبالی که میلیون‌ها هوادار دارد، ورزشگاه‌هایی که برای مسابقات مهم پر می‌شوند، بازیکنانی که در بازار بین‌المللی مشتری دارند و تیم‌های آبی که همچنان یکی از قدرتهای سنتی آسیاست، اما در سوی دیگر، باشگاه‌هایی قرار دارند که هر سال بیشتر از سال قبل زیان می‌کنند. این دیگر یک هشدار ساده نیست؛ یک چالش ساختاری است.

زیان انباشته ۱۰ باشگاه لیگ برتری در ۴ فصل پایایی، تصویری روشن از وضعیت اقتصادی فوتبال ایران ارائه می‌دهد. این رقم در سال ۱۴۰۱ حدود ۸۴۰ میلیارد تومان بود، در سال ۱۴۰۲ به ۱۷۰۰ میلیارد تومان رسید، در سال ۱۴۰۳ از مرز ۲۱۳۸ میلیارد تومان عبور کرد و در سال ۱۴۰۴ به ۳۱۳۶ میلیارد تومان رسید. ۴ عدد که اگر کنار هم قرار بگیرند، بیشتر از آنکه یک صورت مالی باشند، شبیه پرونده پزشکی بیماری هستند که هر سال وضعیتش وخیم‌تر شده است.

تا آنکه یک صورت مالی باشند، شبیه پرونده پزشکی بیماری هستند که هر سال وضعیتش وخیم‌تر شده است.

دودرس اروپایی برای فوتبال ایران

پول از کجای می‌آید، بدهی چگونه مهار می‌شود؟

نکته روز

وقتی درباره چالش اقتصادی فوتبال ایران صحبت می‌کنیم، بحث معمولاً خیلی زود به یک جمله ختم می‌شود: باشگاه‌ها پول ندارند.

اما شاید سؤال درست‌تر این باشد که چرا باشگاه‌های فوتبال ایران پول تولید نمی‌کنند؟

این تفاوت کوچکی نیست. فوتبال اروپا سال‌هاست نشان داده که باشگاه فوتبال می‌تواند یک بنگاه اقتصادی باشد؛ مجموعه‌ای که درآمد تولید می‌کند، سرمایه جذب می‌کند، بازیکن می‌سازد، بازیکن می‌فروشد و متناسب با درآمدش هزینه می‌کند. فوتبال ایران اما سال‌هاست در نقطه مقابل این مدل حرکت می‌کند؛ هزینه‌ها واقعی و روزافزون‌اند، اما درآمد‌ها یا وجود ندارند یا به اندازه هزینه‌ها رشد نکرده‌اند.

فوتبال باشگاهی اروپا در سال ۲۰۲۵ برای نخستین بار از مرز ۳۰ میلیارد یورو درآمد عبور کرد؛ رشدی بیش از ۱۳ میلیارد یورو در یک دهه. این عدد حاصل یک معجزه اقتصادی نیست. پشت این رقم، ساختاری متنوع از منابع درآمدی قرار دارد؛ حق پخش، درآمد تجاری، فروش بلیت، درآمد روز مسابقه و البته بازار نقل و انتقالات. در میان ۲۰ باشگاه پردرآمد جهان نیز بخش قابل توجهی از درآمد از فعالیت‌های تجاری، حق پخش و روز مسابقه به دست می‌آید. یعنی باشگاه برای ادامه حیات اقتصادی خود فقط به یک جیب وابسته نیست.

این نخستین درس برای فوتبال ایران است؛ درآمد باید چندپایه باشد.



وقتی درباره

فوتبال اروپا

صحبت

می‌کنیم، از

میلیاردها

دلار درآمد

حرف می‌زنیم

و وقتی به

فوتبال ایران

می‌رسیم،

صحبت

اصلی درباره

میلیاردها

تومان زیان

است. این

تفاوت، تفاوت

استعداد

بازیکنان یا

علاقه مردم

نیست؛ تفاوت

در ساختار

است

از سوی دیگر، نابرابری منابع نیز رقابت را از حالت طبیعی خارج کرده است. وقتی یک باشگاه می‌تواند چند صد میلیارد تومان هزینه کند و باشگاه دیگری با منابع بسیار محدودتر وارد همان مسابقه شود، دیگر نمی‌توان از رقابت اقتصادی متوازن صحبت کرد.

در چنین شرایطی، بخش خصوصی واقعی نیز انگیزه چندانی برای ورود ندارد. سرمایه‌گذار خصوصی باید بتواند چشم‌انداز بازگشت سرمایه را ببیند. وقتی حق پخش مشخص نیست، درآمد روز مسابقه ناچیز نیست، درآمد تجاری محدود است و بخش بزرگی از بازار تحت تأثیر منابع دولتی و صنعتی قرار دارد، طبیعی است که سرمایه‌گذار از خود بپرسد: چرا باید وارد چنین بازاری شوم؟ و این دقیقاً همان نقطه‌ای است که فوتبال ایران باید نگران آن باشد.

باشگاه‌هایی با مشکلات مالی جدی، از آسیا یا شکست یک تیم در یک مسابقه نیست. خطر بزرگ‌تر، فرسوده شدن تدریجی ساختار باشگاه‌های است؛ ساختاری که اگر اصلاح نشود، دیر یا زود هزینه‌هایش از توان منابع موجود عبور خواهد کرد.

فدراسیون فوتبال و کمیته صدور مجوز حرفه‌ای تلاش کرده‌اند با قوانین مالی و الزامات حرفه‌ای، باشگاه‌ها را به سمت انضباط اقتصادی سوق دهند. اما توقف این قطار با چند بخشنامه ممکن نیست. وقتی مدل درآمدی اصلاح نشده، نمی‌توان تنها از باشگاه خواست هزینه‌هایش را کاهش دهد.

فوتبال ایران پیش از هر چیز به یک مدل اقتصادی جدید نیاز دارد. حق



زیان انباشته؛ نقطه نگران کننده فوتبال

پخش باید تعیین تکلیف شود. درآمد روز مسابقه باید افزایش پیدا کند. باشگاه‌ها باید از وابستگی به منابع عمومی فاصله بگیرند. مالکیت باید شفاف شود. هزینه‌کرد باید با درآمد واقعی ارتباط داشته باشد و مهم‌تر از همه، باشگاه باید از یک مصرف‌کننده منابع به یک تولیدکننده درآمد تبدیل شود. در غیر این صورت، هر سال با یک عدد بزرگ‌تر روبه‌رو خواهیم شد: ۸۴۰ میلیارد، ۱۷۰۰ میلیارد، ۲۱۳۸ میلیارد، ۳۱۳۶ میلیارد و شاید ۴ هزار میلیارد تومان. اما عدد بعدی فقط یک عدد نخواهد بود.

پشت آن، باشگاه‌هایی قرار دارند که ممکن است دیگر نتوان ادامه دادن نداشته باشند؛ هوادارانی که سرمایه عاطفی‌شان را از دست می‌دهند و فوتبالی که بخش مهمی از اعتبارش را خرج ساختاری کرده که هنوز بلد نیست از محبوبیت خود پول بسازد.

فوتبال ایران استعداد دارد، هوادار دارد، تاریخ دارد و حتی بازار بالقوه دارد. آنچه ندارد، یک مدل اقتصادی پایدار برای تبدیل این ظرفیت‌ها به درآمد است. چراغ ورزشگاه‌ها هنوز روشن است. سکوها هنوز پر می‌شوند و مردم هنوز برای فوتبال هزینه عاطفی می‌کنند. اما اگر فوتبال همچنان بیشتر از آنکه درآمد تولید کند، عین تولید کند، یک روز مسأله دیگر خاموش شدن نور ورزشگاه نخواهد بود؛ مسأله این خواهد بود که چه کسی هزینه روشن نگه داشتن آن را می‌پردازد. آن روز، دیگر با یک چالش مالی روبه‌رو نیستیم؛ با چالش موجودیت فوتبال حرفه‌ای ایران مواجهیم.



آلمان نیز مسیر متفاوتی را طی کرده است. قانون ۵۰+۱ که در شکل سنتی خود اکثریت حق رأی را در اختیار اعضای باشگاه قرار می‌دهد، فقط یک قانون مالکیتی نیست؛ بخشی از فلسفه باشگاه‌داری آلمان است؛ فلسفه‌ای که بر ثبات، کنترل هزینه و ارتباط باشگاه با هوادار تأکید دارد. نتیجه الزاماً به معنای بی‌نقص بودن فوتبال آلمان نیست، اما ساختار مالی نسبتاً پابناث بودنس لیگا نشان می‌دهد که فوتبال حرفه‌ای می‌تواند بدون مسابقه بی‌پایان برای جذب پول بیشتر نیز مدیریت شود.

حالا سؤال اصلی به فوتبال ایران برمی‌گردد. آیا باید دقیقاً قانون انگلیس را اجرا کنیم؟ نه. آیا باید نسخه لالیگا را کپی کنیم؟ باز هم نه. فوتبال ایران ساختار اقتصادی، مالکیت، بازار رسانه‌ای و حتی شرایط حقوقی متفاوتی دارد. آنچه می‌تواند از اروپا بیاموزد، منطق پشت این قوانین است. نخست اینکه درآمد باید متنوع و واقعی باشد. دوم اینکه هزینه باید با درآمد ارتباط مستقیم داشته باشد. سوم اینکه حساس‌رسی و اطلاعات مالی باید شفاف و قابل‌انکابا باشد و چهارم، مهم‌تر از همه، تخلف باید پیامد واقعی داشته باشد.

اگر باشگاهی زیان انباشته دارد، نمی‌تواند صرفاً با تغییر مدیر یا تزریق پول جدید، صورت مسأله را پاک کند. اگر باشگاهی بیش از توانش قرارداد می‌بندد، نمی‌تواند بگوید بدهی را به فصل بعد منتقل کند و دوباره همان مسیر را ادامه دهد.



منطق ساده بود: باشگاه حق ندارد بیشتر از توان اقتصادی خود هزینه کند.

سقف دستمزد هر باشگاه براساس درآمدهای مورد انتظار، هزینه‌های ساختاری و تعهدات مالی آن تعیین می‌شود. اگر باشگاهی از سقف عبور کند، برای ثبت بازیکن جدید یا تمدید برخی قراردادهای محدودیت مواجه می‌شود تا دوباره به تعادل مالی برسد.

این یعنی کنترل مالی پیش از شکل‌گیری مسأله، نه بعد از ورشکستگی.

حتی باشگاه‌هایی مانند بارسلونا نیز برای هماهنگ شدن با مقررات مالی لالیگا ناچار به فروش بخشی از دارایی‌ها و استفاده از ابزارهای مالی شدند. شاید این مدل کامل نباشد و محدودیت‌های آن گاهی به بخش‌هایی از باشگاه فشار وارد کند، اما اصل ماجرا روشن است: باشگاه باید پیش از خرج کردن، توان پرداخت هزینه را تأیث کند.

۷۰ درصد درآمد باشگاه محدود می‌کند. در بخش دیگر نیز برای زیان تجمعی باشگاه‌ها محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است.

اما مهم‌تر از خود قانون، پیامد نقض آن است.

نیوکاسل به دلیل تخلف از مقررات مالی با جریمه نقدی مواجه شد. استون ویلا نیز به دلیل عبور از سقف هزینه تیم جریمه شد و یوونتوس برای رعایت الزامات مالی، توافق چندساله با یوفا انجام داد.

این جریمه‌ها یک پیام روشن دارند: قانون مالی زمانی معنا پیدا می‌کند که نقض آن برای فوتبال ایران، مسأله دقیقاً از همین جا آغاز می‌شود. وقتی باشگاه می‌داند می‌تواند بیشتر هزینه کند و بعد، بدهی را به فصل بعد منتقل کند، بدهی دیگری خطر نیست؛ به بخشی از مدل اداره باشگاه تبدیل می‌شود.



در انگلیس حتی مجازات می‌تواند از جریمه مالی نیز فراتر برود. کسرامتیا، مستقیماً به نتیجه ورزشی باشگاه ضربه می‌زند. اورتن و ناتینگهام فارست نمونه‌هایی از باشگاه‌هایی هستند که در سال‌های اخیر با چنین مجازاتی مواجه شدند. لستر سیتی نیز به دلیل نقض مقررات مالی با کسر امتیاز رو به‌رو شد.

این همان نقطه‌ای است که یک مدیر فوتبال به‌خوبی آن را درک می‌کند: اگر اشتباه مالی